

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ جون ۲۰۱۹

مکت کوتاهي بر خز عبلات "لطيف پدram"!!

۴

سه شنبه-۰۴ سرطان ۱۳۹۸ - کابل: "لطيف پدram" که در تعويض قلاده های بردگی اجانب به گفته شاعر "سبک دست" است و در جریان زندگانی خفتبار و ننگین سیاسی اش بار ها این قلاده را تبدیل نموده روزی با روسها بود، زمانی با فرانسوی ها و زمانی دیگر با ایرانی ها، اینک که فضاء را شکل دیگری احساس نموده و فکر می کند که با مصروفیت هائی که امریکا در منطقه به خصوص ایران دارد، احتمالاً در یک مبادله امتیازات سیاسی، امریکا حاضر شده است نقش برتر پاکستان در چگونگی تعیین آینده افغانستان به رسمیت بشناسد، عجلانه دست به دامان پاکستان دراز نموده، ضمن پیش کش دادن "دیورند" به پاکستان، در کلیت آن نزدیکی و همسویی با پاکستان را یکی از شروط اساسی حکومتداری موفق در افغانستان اعلام می دارد.

این انسان پلید در این امر چنان گستاخانه خیز بر می دارد که در جلو چشم تمام مردم افغانستان با تحریف تاریخ، عباي ضدیت با پاکستان را بر تن دو تن از مزدوران و عمال گوش به فرمان آن کشور نموده، به زعم خود با انتقاد از سیاست های "ربانی-مسعود" موضعگیری آنها را ضد پاکستانی دانسته، به حال افغانستان مضر می داند.

به نظر من چنین قضاوتی در مورد "ربانی- مسعود" بهتان نیست بس عظیم نسبت به آنها و تحریف تاریخ واقعی افغانستان. چه همه می دانیم که "ربانی-مسعود" نه تنها به مثابه دو توله سگ پرورش یافته به دور خوان یغمای پاکستان، تمام دار و ندار و حیثیت و اعتبار شان را در زمان مقاومت ضد روسی مرهون دولت پاکستان، "آی. اس. آی" و نهاد های مذهبی آن کشور بودند و در تمام جنایاتی که مطابق خواست پاکستان در داخل افغانستان می بایست عملی می شد، برده وار وظایف محوله شان را انجام داده اند، بعد از سقوط مزدوران روس و استحاله قدرت به باند های مزدور و وابسته به پاکستان نیز در کمال صداقت منافع آزمندانه و استعماری پاکستان را در افغانستان برآورده ساخته اند. برای درک این رقیبت و بردگی "ربانی-مسعود" به پاکستان و به ساز "آی. اس. آی" رقصیدن آنها می باید ببینیم که در آن زمان پاکستان از حاکمیت دست نشانده چه می خواست و آیا آنها خواست پاکستان را برآورده ساختند و یا خیر؟

۱- نخستین خواست پاکستان از حاکمیت دست نشانده خودش، نابودی نیروهای نظامی-امنیتی باقی مانده از مزدوران روس و شکستاندن ماشین جنگی آن بود. به گواهی تاریخ و به استناد تجارب ما نسلی که در همان زمان در داخل کشور به سر می بردیم، الحق که "ربانی-مسعود" در انجام این خواست پاکستان هیچنوع کوتاهی نمودند. چنانچه نه تنها

نیروهای امنیتی- نظامی باقی مانده از مزدوران روس را که در قطعات و واحد های نظامی متشکل بودند، و تعداد آنها به ۵۰۰ هزار سرباز و نیروی امنیتی می رسید، همه را لغو نمود و به جای آنها اداره کشور را به دزدان شورای نظامی، جمعیت اسلامی و متبایقی باند های آمده از پاکستان که تا مغز استخوان خود مزدور پاکستان بودند و داشتن عرق ملی را گناه کبیره و چیزی در حد کفر می دانستند، سپرد؛ بلکه تمام تسلیحات باقی مانده از اداره دست نشاندۀ روس را رسماً تاراج نموده به حراج گذاشت.

در همین زمان است که تمام سلاح سبک و ثقیل اردوی افغانستان اعم از تفنگ، ماشیندار های خفیف و ثقیل، راکت انداز ها، تانک ها، هیلوکوپتر ها و طیارات میگ افغانستان را در کل از طریق دزدان شورای نظامی-جمعیت اسلامی و حریفان آنها به پاکستان انتقال داد. کار را به جایی رسانید که تانکهای "ت-۷۲" ساخت شوروی سابق را که در زمانش پیشرفته ترین تانک در سطح جهان بود، تخریب و اهره نموده به قیمت آهن پاره به پاکستان انتقال داده به فروش رسانید.

۲- دومین خواست دولت پاکستان از حاکمیت "ربانی-مسعود" در کنار انحلال ارتش ۵۰۰ هزار نفری میراث مزدوران روس و از بین بردن ماشین جنگی آن که موجودیت بیش از ۲۰۰۰ تانک و زرهپوش در آن، توأم با کوله بار تجربه ۱۴ ساله جنگ آن ارتش را در سطح منطقه ممتاز و بی رقیب می ساخت، از آن حاکمیت شکستن غرور ملی مردم ما که محصول پیروزی خلق ما بر شوروی آنزمان بود، می باشد. حاکمیت منقاد و نوکر "ربانی-مسعود" برای انجام این مأمول ردیلانه تر و ذلیل تر از تمام حکمرانان قبلی برخوردار نموده، به اصطلاح "مجاهدان" خودش را وادار ساخت تا از مقابل سرکردگان اردوی پاکستان و رئیس "آی. اس. آی" رژه رفته مراسم "رسم و گذشت" عسکری را انجام دهند.

۳- حاکمیت "ربانی-مسعود" به دستور پاکستان و جهت خوشخدمتی به آن تنها به انحلال اردوی افغانستان اکتفاء ننموده، در عمل بر سیستم اداری آنزمان افغانستان که سابقه ۸۰ الی ۱۰۰ سال را در قفا داشت، خط بطلان کشیده به جای آن با رسمیت دادن به تشکیلات اداری دیکته شده از جانب پاکستان عملاً "پاتگ سالاری" را رواج داد.

۴- از تمام اینها بدتر و ویرانگرتر، به دستور پاکستان در نقش عامل اجرائی عربستان، تضاد های مذهبی را بین شهروندان افغانستان دامن زده، با کشتار بی دریغ هزاره ها و خلق فجایی مانند "فاجعه افشار" عملاً کشور ما را در آستانه تجزیه قرار داده به مثابه یکی از طرف های درگیری و جنگ، خون بیش از ۶۵ هزار از هموطنان ما را به گردن دارند.

۵- سرانجام با تأیید، تمویل و تقویت گروه طالب، و آنها را از زبان "ربانی"، "فرشتگان صلح" اعلام داشتن، اوج عبودیت و بندگی خود را نسبت به پاکستان اعلام داشتند.

هموطنان گرامی!

این که امروز بعد از سپری شدن ۲۵ سال کسی بیاید و سیاست "ربانی-مسعود" را در ضدیت با پاکستان اعلام بدارد و آن را مورد انتقاد قرار بدهد، یا می باید خر و احمقی باشد که بوئی از سیاست نبرده است، یا کسی است که می خواهد با انتقاد دروغین برای آنها اعتبار و حثیت کمائی نماید و یا هم جاسوس بی آزرمی است که با تحریف تاریخ می خواهد غلامی و وابستگی خود را بپوشاند.

هموطنان گرامی!

این که دولت پاکستان با تمام جانفشانی ها و خدمات صادقانه ربانی-مسعود، با آنها بر اعتماد نمود و انبایق طالب را بر سر شان آورد، نباید چنان برداشت شود که گویا آن دو مزدور مخالف پاکستان بودند که به هیچ وجه چنین نبوده است. بلکه آنها مزدورانی بودند با وظایف معین و در چوکات وقت معینی. به همین اساس با آن که آنها می خواستند باز

هم در خدمت پاکستان قرار داشته باشند و دارو ندار افغانستان را در طبق اخلاص گذاشته تقدیم پاکستان نمایند، این پاکستان بود که تاریخ مصرف آنها را سپری شده تشخیص داده ، گامهای بعدی اش را برداشت.
هموطنان گرامی!

وقتی "پدرام" بر سیاست های "ربانی- مسعود" مهر ضدیت با پاکستان زده و آنها را رد می نماید در واقع می خواهد در آستانه انتصابات جدید ریاست جمهوری به پاکستان بگوید: دست حمایت بر سر وی بکشد، زیرا در وطنفروشی و خیانت به افغانستان حنا از "ربانی-مسعود" هم نیز آماده تر می باشد.

ادامه دارد